

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۶

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی
سال هفتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۷

بازتاب قرآنی اندیشه مهدویت در صحیفه سجادیه با رویکرد بینامتنی

فتحیه فتاحی زاده^۱

مرضیه محمص^۲

فاطمه ادایی خضری^۳

چکیده

معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له این آخرین ذخیره آل رسول صلی الله علیه و آله به عنوان خلیفه و ولی خدا و آخرین امام معصوم، هم‌چنین بیان مسئولیت‌های این امام بزرگوار و بیان گستردگی قیام ایشان در جو خفقان عصر اموی امری ناممکن بود، لذا امام سجاد علیه السلام از طریق دعا و پیوند آن با قرآن این رسالت را به خوبی به گوش مخاطبین تاریخ بشریت رساند. اندیشه مهدویت در میراث حدیثی امام سجاد علیه السلام از رهگذر پیوند تعابیر با قرآن، دورنمایی از حکومت مهدوی را ترسیم می‌نماید. رویکرد بینامتنی، روش مطالعاتی نوینی در خوانش متون و تحلیل شبکه معنایی آن به شمار می‌آید. در این تحقیق به منظور تفسیر و تبیین این موضوع مهم از رویکرد بینامتنی ساختاری و مضمونی استفاده شده است. یافتن میزان اثرگذاری قرآن کریم بر کلام امام سجاد علیه السلام با محوریت اندیشه مهدویت، هدفی است که از رهگذر این پژوهش دنبال می‌شود. با تأمل در خوانش دو متن صحیفه

۱. استاد دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء علیها السلام تهران.

۲. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (f.adaee.khezri@gmail.com).

سجادیه و قرآن کریم، بیشترین فراوانی به رابطه بینامتنی مضمونی اختصاص می‌یابد.

واژگان کلیدی

اندیشه مهدویت، صحیفه سجادیه، قرآن کریم، رویکرد بینامتنی.

بیان مسئله

ائمه هر يك زمينه ظهور امام بعدی را فراهم و امامان گذشته را تصدیق می‌کردند؛ ولی بشارت تمام امامان به ظهور امام قائم و ویژگی منحصر به وجود مبارك ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الترتیب است. این تصدیق و تبشیر، نشانه هماهنگی و هم‌آوایی سلسله ولایت و نظیر هم‌آوایی سلسله نبوت و رسالت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۷) لذا اندیشه مهدویت ادامه اصل اعتقادی مهم امامت می‌باشد؛ همچنین با توجه به این نکته مهم که دعاهای صحیفه سجادیه عمومیت را می‌رساند به طوری که در بحث امامت نام هیچ یک از اهل بیت علیهم السلام به عنوان امامان امت برده نشده و این ویژگی ممتاز صحیفه آن را مانند قرآن فرازمانی نموده است. لذا اکنون که مخاطبین صحیفه مردم عصر غیبت هستند، لازم است که ایشان علاوه بر یادآوری فضایل و مسئولیت‌ها و زحمات بی‌شائبه امامان معصوم علیهم السلام، تعبیر و پیام‌های صحیفه را بر امام عصر علیه السلام خویش تعمیم دهند.

صحیفه سجادیه به انجیل اهل بیت، زبور آل محمد صلی الله علیه و آله، صحیفه کامله و اخت القرآن ملقب گشته است. (طهرانی، بی‌تا) این مجموعه گران‌سنگ شیعی منبعث از منبع علم الهی (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۶: ۳)، دریای بیکرانی از علوم و معارف اسلامی در قالب دعاست. (پیشوایی، ۱۳۷۸: ۲۷۰) از منظر محققان اسلوب ادبی صحیفه، عالی‌ترین جلوه از شکوه تعبیر پس از قرآن کریم است (خانجانی، ۱۳۸۴: ۸) هم‌چنین محتوا و موضوعات مطرح شده در صحیفه نشان می‌دهد اهداف دیگری در ورای دعاها نهفته است. (مطهری، ۱۳۸۶: ۴-۱) چنان‌که در کتاب ارزشمند *الدلیل نویسنده*، صحیفه سجادیه را بر حسب موضوعات مختلف در ۱۹ باب دسته‌بندی نموده است، که در باب سوم این کتاب (باب امامت) موضوعات امامت از جمله حجة بن الحسن دسته‌بندی شده است. (مظفر، ۱۴۰۳: ۲۵۲ و ۲۵۱) این خود بیان‌گر این مطلب است که صحیفه در قالب دعا، به بیان مسائل مختلف پرداخته است. صحیفه سجادیه در رابطه با اندیشه مهدویت که ادامه اصل اعتقادی امامت می‌باشد به مسائلی قابل تأمل پرداخته است و با بهره‌گیری از ساختار و مضامین قرآنی، جامعه‌ای بر پایه

حکومت الهی را ترسیم نموده است.

از گذشته تاکنون در مورد کتاب ارزشمند *صحیفه سجادیه* تحقیقاتی در مسائل مختلف از جمله ترجمه، شرح، سندشناسی و... به رشته تحریر درآمده، ولی معارف عمیق کلام امام سجاد علیه السلام در حوزه اعتقادی از جمله مهدویت تلاشی مضاعف را می‌طلبد. هدف از تحقیق حاضر، واکاوی پیوندهای میان قرآن و *صحیفه سجادیه* با محوریت اندیشه مهدویت است. یافتن میزان اثرگذاری قرآن کریم بر کلام امام سجاد با محوریت اندیشه مهدویت، هدف دیگری است که از رهگذر این پژوهش دنبال می‌شود. در این تحقیق به منظور تفسیر و تبیین این موضوع مهم از رویکرد بینامتنی استفاده شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس نظریه بینامتنیت است که چندی است موضوع مشترک پژوهشگران در حوزه ادبیات غربی، عربی و همچنین فارسی قرار گرفته است. اصطلاح «بینامتنیت»، به معنای اجتماع متون است و در اصطلاح به رابطه‌های گوناگونی اشاره دارد که متون را از جهت صورت و مضمون به هم پیوند می‌دهند. متون، بافت‌ها و سیاق‌هایی را فراهم می‌آورند که از درون آنها می‌توان متون دیگر را خلق و تفسیر کرد. (قائمی نیا، ۱۳۸۹: ۴۳۶) به این ترتیب هر متنی یک بینامتن است، در عین اینکه هویت متنی مستقلی دارد؛ این هویت بدون ربط نشانه‌های واژگانی، کلامی و مضمونی متن با دیگر متون و آثار، کاملاً قابل فهم و درک نیست. مهم چگونگی ارتباط محتوا و مضمون متن حاضر با متون دیگر است که متن پنهان نامیده می‌شود که براساس آن، متون پویا و حرکت آفرین شده و فهم متون «بهتر و دقیق‌تر» خواهد شد؛ به این معنا که با پژوهش‌های بینامتنی، بهتر می‌توان از متون بهره برد. (قائمی، ۱۳۸۷ش: ۱۶۰-۱۶۱)

بینامتنیت دارای سه رکن اصلی متن غایب، متن حاضر، روابط بینامتنی است. متن غایب (پیشین) - که اصطلاحاً به آن متن مادر نیز می‌گویند - همان متنی است که متن کنونی از آن تأثیر پذیرفته است، منظور از متن حاضر (پسین) همان متن جدید است که مورد خوانش قرار می‌گیرد و پیش روی خواننده قرار دارد و روابط بینامتنی که نوع تعامل بین دو متن و ارتباطی که بین آن دو وجود دارد را مشخص می‌نماید. در تبیین روابط بینامتنی *صحیفه سجادیه* با قرآن کریم، متن قرآن، متن غائب و دعاهای حضرت سجاد علیه السلام در موضوع مهدویت، متن حاضر

است و روابط بینامتنی نیز تعامل گوناگون آن‌ها را بازگو می‌نماید. در یافتن روابط بینامتنی از آراء اندیشوران لغت‌شناس، مفسران قرآن و شارحان صحیفه سجادیه استفاده شده است.

محورهای بینامتنیت ساختاری صحیفه و قرآن پیرامون مهدویت

در بینامتنیت ساختاری، گوینده با تغییر و تبدیل الفاظ، از متن غایب بهره جسته؛ به گونه‌ای که بخشی از متن غایب را با ساختار و ترکیبی تغییر یافته در لایه صرفی و نحوی در سخن خود به کار می‌گیرد و به اشکال گوناگونی چون: افزودن یا کاستن کلمات، تقدیم یا تأخیر آنها، (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۸) تغییر فعل به اسم مصدر یا بالعکس، تبدیل مفعول مطلق تاکیدی به مفعول مطلق نوعی و... در ساختار الفاظ آن دخل و تصرف می‌نماید. این نوع روابط بینامتنی موجب می‌گردد که کلام نویسنده در فضای جدید و برای مصداق خاصی به کار برده شود و به یک فن و یک ابتکار بی‌بدیل مبدل گردد. البته در روابط بینامتنی ساختاری غیر تطابقی گاهی پیش می‌آید که نویسنده با استفاده از الفاظی غیر از الفاظ متن غایب، لیکن مشابه از لحاظ مفهومی در ساختار متن غایب دخل و تصرف می‌نماید؛ این نیز نمونه‌ای دیگر از این رابطه می‌باشد که نویسنده یا گوینده از به کارگیری این روش برای عمق بخشی به کلام، تفسیر و تبیین متن غایب استفاده می‌نماید.

الهی بودن منصب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

حضرت برای دفاع از حقانیت خلافت اهل بیت علیهم السلام در دعای عرفه بعد از بیان فضایل آن بزرگواران، به مقام خلافت الهی ایشان در زمین اعتراف می‌نماید:

جَعَلْتَهُمْ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ (دعای ۴۷، فراز ۵۶)؛

جانشینانت در زمین و حجت‌های تو بر بندگانت، گردانیده‌ای.

کلام حضرت با آیه: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) «و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم» پیوند ساختاری برقرار نموده است.

امام در متن حاضر به جای واژه «خَلِيفَةً» از عبارت «خُلَفَاءَكَ» استفاده کرده است؛ چرا که در متن غایب خداوند در مورد «جعل» یک خلیفه یعنی حضرت آدم صحبت می‌کند؛ لیکن در متن حاضر از اهل بیت پیامبر علیهم السلام به عنوان جانشینان خداوند سخن به میان آمده است که تعداد آنها طبق روایات معتبر ۱۲ نفر می‌باشد؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۲۹، ۵۳۲ و ۵۳۴؛ خزاز رازی،

۱۴۰۱ق: ۲۴۳؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۶۷ و... به همین جهت عبارت (خُلْفَاءَكَ) به صورت جمع آمده است. همچنین امام با آوردن عبارت «جَعَلْتُهُمْ» به جای عبارت «إِنِّي جَاعِلٌ» به الهی بودن منصب خلافت تأکید بیشتری می‌نماید. ضمیر «هُمْ» در فعل ماضی «جَعَلْتُهُمْ» به اهل بیت علیهم‌السلام بر می‌گردد؛ فعل ماضی نیز حتمی بودن «جعل الهی» خلافت اهل بیت علیهم‌السلام را ثابت می‌نماید. همچنین تکرار ضمیر «ک» در متن صحیفه علاوه بر ایجاد سجع و موسیقی زیبا، بیانگر رابطه دو سویه و نزدیک خداوند با خلیفه و بندگان خویش دارد.

گسترده‌گی قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌وسلم‌وآجمعین

حضرت سجاد علیه‌السلام در دل دعای عرفه برای ولی خدا - امام معصوم - این‌گونه طلب یاری می‌نماید:

وَأْتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا... (دعای ۴۷، فراز ۶۱)؛
و او را از پیش خود سلطنتی یاری بخش عطا فرمای...

فعل امر «آت» از ریشه «آتی» می‌باشد؛ الإیتاء: «الإعطاء» یعنی بخشیدن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۱۴۵) امام سجاد علیه‌السلام در فراز ۶۱ دعای پربار عرفه، قدرت و تسلط، یاری و حمایت، نصرت و پیروزی و پشت‌گرمی را از جانب قادر مطلق برای امام زمانش از خداوند می‌خواهد.

حضرت در این فراز برای امام معصوم طلب یاری می‌نماید «تا به یاری خداوند دولت انسانی امام معصوم امتداد پیدا کند و بشریت یک پارچه زیر پرچم واحد جمع شوند تا به دور از جنگ‌ها، احتکارها و کینه‌ها آسوده خاطر در امنیت به سر برده و در نهایت به تساوی حقوق بشر بینجامد. در روایاتی از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت طاهرینش به این نکته تأکید شده است که این دولت آتی «دولت امام زمان علیه‌السلام» است که بی‌شک به وسیله آن جهان به کامل‌ترین شکل خود نائل خواهد آمد؛ زیرا خداوند یگانه است و دولت نیز باید یکی باشد و همه عالم بشریت در مقابل قانون و شریعت واحد سر فروتنی خم کنند و تسلیم اوامر ایشان باشند.» (مغنیه، ۱۳۹۹ق: ۴۷۲)

کلام حضرت امام سجاد علیه‌السلام اقتباسی (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۳۹۷) از این آیه قرآن است:

«وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

نَصِيرًا (اسراء: ۸۰)؛

بگو ای پروردگار من، مرا به راستی و نیکویی داخل کن و به راستی و نیکویی بیرون بر، و مرا از جانب خود پیروزی و یاری عطا کن.

خداوند از پیامبرش می‌خواهد که با فعل امر «اجْعَلْ» خواسته‌اش را عنوان نماید.

علامه طباطبائی رحمته‌الله‌علیه می‌گوید:

این آیه به طور مطلق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را امر می‌کند که از پروردگارش بخواهد در تمامی مدخل و مخرج‌ها او را سرپرستی کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۳، ۱۷۶)

با نگاه در ساختار دو متن، مشاهده می‌شود که در هر دو از فعل امر استفاده شده است با این تفاوت که حضرت به جای فعل طلب «اجْعَلْ» از فعل طلبی «آتِ» استفاده نموده است. هر دو فعل در معنا تقریباً مشابه می‌باشند؛ با این تفاوت که «جعل» از نیستی آفریدن است، (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۲۲۹) لیکن «آتِ» از مصدر «ایتاء» به معنا عطا و بخشش است. (راغب، ۱۴۱۲ق: ۶۱) با این تعریف می‌توان گفت حضرت از لفظی غیر از لفظ قرآنی استفاده نموده تا معانی و دلالت‌های بیشتری را به مخاطب برساند؛ بدین صورت که حضرت با استناد به این آیه از خداوند می‌خواهد، علاوه بر مدد‌هایی که برای یاری رسول قرار داده، از عطا و بخشش بی‌پایان خویش نیز ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التوفیق‌لیه را یاری رساند و از سر لطف به ایشان حکومتی پیروزمندانه عطا فرماید. ساختار مشابه بینامتنی بیان‌گر استناد امام به قرآن است.

هم چنین مخاطب با خوانش سیاق متن غایب می‌تواند تفسیر بهتری از متن صحیفه به دست آورد؛ بدین صورت که اگر می‌خواهد امام زمانش را یاری رساند، می‌بایست در تمامی مدخل و مخرج‌ها راه صدق و حقیقت را بپیماید. «قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ» در این حالت است که هرگز از مسیر هدایت امام حق منحرف نمی‌شود و به سوی هیچ حکومت باطلی متمایل نمی‌گردد و این خود در تأیید بر نصرت و یاری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التوفیق‌لیه نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید.

هم چنین از طریق سیاق متن غایب می‌توان گفت یکی از مصادیق بارز متن قرآنی حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التوفیق‌لیه می‌باشد. در تأیید این مطلب، خداوند می‌فرماید: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» (اسراء: ۸۱). چنان‌که مشاهده می‌شود این آیه با واو عطف به آیه قبلی عطف شده است. در

تفسیر روایی آمده است که این آیه در مورد قیام امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌التوفیق‌لیه است:

إذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛

هنگامی که قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام قیام می‌کند حکومت باطل از بین می‌رود. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۵۷۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۲۱۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۲۱۲)

با نگاه در ساختار الفاظ دو متن مشاهده می‌شود که امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَام با کم‌ترین تغییر در متن غایب، آگاهانه متن جدید را خلق کرده است و با بیان مصداق بارز آیه متنی را خلق نموده که از لحاظ مضمون تقریباً هر دو شامل یک پیام می‌باشند. حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به اهمیت قدرت سیاسی امام معصوم - مبنی بر ایفای مسئولیت‌های اجرایی - اشاره می‌نماید و با آوردن عبارت «وَ أَشَدُّ أَرْزُهُ وَ قَوِّ عَضْدَهُ» (۴۷، ۶۱) با این بخش از آیات:

«أَشَدُّ بِهِ أَرْزِي» (طه: ۳۱)؛

پشت مرا بدو محکم کن.

«قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ» (قصص: ۳۵)؛

گفت: تو را به برادرت قوی دست خواهیم کرد و برایتان حجتی قرار می‌دهیم.

ارتباط ساختاری برقرار می‌نماید.

با نگاه در ساختار ظاهری دو متن مشاهده می‌شود که حضرت با تغییرات اندک در ساختار ظاهری متن غایب، (طه: ۳۱) متن حاضر را به وجود آورده است؛ بدین صورت که به جای ضمیر متکلم «یاء» در «أَرْزِي» از ضمیر غایب «هاء» در «أَرْزُهُ» استفاده نموده و در هر دو متن از فعل طلبی «أَشَدُّ» استفاده شده است؛ لیکن در متن قرآنی مرجع ضمیر هاء در «به» شخص هارون می‌باشد یعنی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند می‌خواهد که به وسیله برادرش - هارون - او را تقویت نماید و دایره حمایت محدود به یک شخص است؛ اما در متن حاضر جار و مجرور «به» حذف شده است. هدف امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام این است که دایره افراد و مصادیقی که می‌توانند ولی خدا - که همان امام معصوم می‌باشد - را حمایت کنند، گسترده نماید.

هم‌چنین مرجع ضمیر «هاء» در «أَرْزُهُ» به «ولیک» برمی‌گردد؛ لیکن مرجع ضمیر متکلم «یاء» در «أَرْزِي» به موسی - که خداوند از زبان وی سخن می‌گوید - برمی‌گردد. منظور حضرت از «ولی» در این فراز طبق نظر برخی از شارحان معروف صحیفه یعنی امام قائم عَلَيْهِ السَّلَام، که کنایه از حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۰۷: ۹۴؛ مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ج ۶، ۳۹۷؛ قهپایی، ۱۳۷۴: ۷۲۱)

بر این اساس می‌توان گفت هدف حضرت از حذف ضمیر «به» - در متن صحیفه، - بیان وسعت کمک و یاری برای قیام ایشان باشد؛ لذا حضرت در این خواسته - برخلاف متن غایب که خواسته حضرت موسی با آوردن ضمیر در «به» به یاری حضرت هارون محدود شده است، - با حذف «به» یاری و نصرت خداوند را مقید به مورد خاصی ننموده است؛ همان‌طور که - در ادامه همین فراز - خواسته حضرت در جهت امداد فرشتگان الهی برای یاری ولی خدا - تنها به خداوند مقید گشته است؛ (وَ انصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ) این خود خبر از گستردگی قیام حضرت بقیه الله الاعظم عَلَيْهِ السَّلَام دارد که جز با قدرت و نصرت خداوند باری تعالی یاری و تأیید نمی‌گردد. «اللهم... وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ وَ الرَّوْحَ وَ النُّصْرَةَ وَ التَّمَكِّينَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ (لأهل البيت)» (دعای ۴۸، فراز ۱۱)

به این ترتیب همان‌طور که ولی خدا یاری‌کننده دین خداست «أَيَّدْتَ دِينَكَ... بِإِمَامٍ» (دعای ۴۷، فراز ۶۰) خداوند نیز یاری‌کننده ولی خویش می‌باشد. «وَ النُّصْرَةَ وَ التَّمَكِّينَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ» (دعای ۴۸، فراز ۱۱)

چنان‌که در ساختار دو متن مشاهده می‌شود، متن حاضر با تغییر سطحی و اندک (تبدیل ضمیر مخاطب به غایب) شکل گرفته است. امام با خلایقیت و نوآوری بی‌بدیل خود تغییر و تنوعی مناسب در معنای متن غایب به وجود آورده است؛ لیکن جوهره کلام متن غایب در متن حاضر حفظ شده است.

البته این نکته (یاری الهی) با یاری و کمک مردمی در مورد پیروزی قیام ایشان منافاتی ندارد چرا که مردم نیز قدرت و توان‌شان از ناحیه خداوند باری تعالی هست چنان‌که حضرت سجاد نیز در فرازهای ۶۴ و ۶۵ به شیوه دعا از خداوند این نصرت و یاری را برای شیعیان و پیروان امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام خواستار است؛ حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در مورد دوستان امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام ویژگی‌ها و وظایفی را در قبال امام زمان‌شان در قالب دعا عنوان می‌دارد که از جمله: فرمانبرداری و گوش به فرمان بودن، تسلیم، کوشش و تلاش در اطاعت، تلاش در جلب رضایت ولی خدا، اعتراف به مقام و منزلت ولی خدا، یاری و نصرت ایشان، مدافع در مقابل دشمنان ایشان، پیروی کنندگان و متمسکین واقعی و پای‌نهندگان به جای پای ایشان و از همه مهم‌تر این‌که شیعیان و یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام منتظران واقعی دولت و حکومت الهی ایشان هستند. حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در این دو فراز مطالبی مهم و قابل تأمل برای مخاطبین صحیفه بیان می‌دارد که در نشر اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار نقش به‌سزایی دارد که بیان رابطه

بینامتنی آنها از موضوع و فرصت این تحقیق خارج است و خود تحقیقی مجزا می‌طلبد. حضرت در کلام خود با آوردن عبارت «قَوِّ عَضْدَهُ» به آیه ۳۵ قصص «قَالَ سَتَشُدُّ عَضْدَكَ» استشهاد نموده است؛ بدین صورت که به خداوند عرضه می‌دارد:

همان‌گونه که به وسیله هارون بر قدرت بازوی موسی افزودی یعنی ایشان را تقویت نمودی، بازوان ولی و حجت بر حق خویش را نیز قوت و نیرو ببخش.

ساختار متن قرآنی نشان می‌دهد، «عضدک» با «اخیک» مقید گشته است لیکن در متن صحیفه این عبارت بدون قید آمده و این خود بیانگر اتساع دلالت است، لذا می‌توان گفت هدف حضرت از حذف قید، معانی و دلالت‌های مختلف، جهت یاری خواستن امام معصوم در حیطة قدرت سیاسی می‌باشد، تا با امداد الهی، حکومت حقّه را در جامعه محقق سازد؛ «وَ التُّصْرَةَ وَ التَّمَكِينَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ» (دعای ۴۸: فراز ۱۱)

هم‌چنین سیاق عبارات قبل و بعد صحیفه نیز در تأیید مطلب فوق نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به نوعی بیان‌گر گستردگی نظام حکومتی فاسقان و غاصبان خلافت در جامعه می‌باشد؛ به همین منظور حضرت در این فراز هفت مرتبه ضمیر مخاطب «ک» را به کار برده است؛ ایشان در فراز ۶۱ دعای عرفه با به کارگیری این ضمایر عواملی چون ارکان قدرت، ملائکه، لشکر پیروزمند را به خداوند منتسب می‌نماید و از خداوند می‌خواهد ولی خویش را از همه جوانب حفظ نماید تا در نهایت با پیروزی حکومت مهدوی، کتاب و سنت در جامعه اجرا گردد.

هم‌چنین حضرت شکر نعمت امامت و ولایت را برای هر دو طرف ولی و مولی علیه ضروری می‌داند و می‌فرماید:

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِيُؤْتِكَ شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ (دعای ۴۷، فراز ۶۱)؛

بارلها! به ولی خویش، به شکرانه نعمتی که بدو ارزانی داشته‌ای، الهام فرمای که به شکر نعمت تو پردازد و ما را نیز الهام بخش که شکر نعمت وی به جای آوریم.

در مورد مراد حضرت از واژه «ولی» طبق نظر شارحان چند احتمال وجود دارد:

الف) امام هر زمان؛ (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۶ش: ۳۳۷)

ب) امام قائم؛ «ولی» کنایه از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۰۷: ۹۴؛

مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ۳۹۷؛ قهپایی، ۱۳۷۴: ۷۲۱)

در این صورت مفهوم این فراز چنین است:

بار خدایا، ملهم ساز ولی خود را یعنی آن کسی که اولی به تصرف است در امر مؤمنین که

آن امام مفترض الطاعه بوده باشد؛ - و مراد قائم اهل بیت است - که در شکرگزاری آن چه انعام کرده‌ای بر او به آن چیز. و ملهم ساز ما را نیز مانند آن در حق او. (قهپایی، ۱۳۷۴: ۷۲۰ و ۷۲۱) چرا که او را «نور و رحمتی بر جهانیان آفریدی» (مغنیه، ۱۳۹۹ق: ۴۷۱). کلام حضرت یادآور آیه ﴿قَالَ رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ﴾ می‌باشد. (نمل: ۱۹)

سلیمان از سخن او لبخند زد و گفت: ای پروردگار من، مرا وادار تا سپاس نعمت تو را که بر من و پدر و مادر من ارزانی داشته‌ای به جای آورم و کارهای شایسته‌ای کنم که تو خوشنود شوی، و مرا به رحمت خود در شمار بندگان شایسته‌ات در آور.

کلمه «ایزاع» بالاتر از توفیق (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۶، ۴۰۵) و چیزی شبیه الهام است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۵، ۳۵۳) هم چنین هدف حضرت از به کارگیری ضمیر غایب در «عَلَيْهِ» به جای ضمیر متکلم در «عَلَى» این است که به مخاطبین، مهجوریت معصومان را یادآوری نماید. نکته دیگری در تغییر ساختار متن غایب مشاهده می‌شود، این است که حضرت به جای ترکیب «نِعْمَتَكَ» از «مَا أَنْعَمْتَ» استفاده نموده است. در زبان عربی موصول عام عمومیت را می‌رساند یعنی حضرت با این تغییر جزئی نعمت‌های بی‌شماری را در نظر گرفته که خداوند به ولیّ خویش عطا نموده است.

هم چنین در ساختار متن حاضر عبارت «أَوْزَعْنَا مِثْلَهُ» اضافه شده که در متن غایب وجود ندارد؛ بدین وسیله امام به مخاطب اهمیت نعمت والای ولایت و امامت را یادآوری نماید؛ یعنی به قدری این نعمت والاست که ولیّ و مولیّ علیه هر دو باید قدرت باطنی و نیروی درونی برای ادای شکر نعمت ولایت را از خداوند طلب نمایند.

در تأیید این مطلب سیاق عبارات، نقش تعیین‌کننده ای را دارد؛ چرا که حضرت در فراز بعدی به وظایف ولیّ خدا از قبیل: برپاداشتن کتاب قرآن، اجرای احکام، حدود و قوانین الهی و سنت‌های رسول خدا اشاره می‌کند؛ «وَأَقِمُّ بِهٖ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ» (دعای ۴۷، فراز ۶۲) وظایفی که تنها امام معصوم توان انجام آن را دارد؛ مسئولیت‌های خطیری که ایجاب می‌کند، ولی و مولی علیه هر دو شکر نعمت را به جا آورند.

محورهای بینامتنیت مضمونی صحیفه و قرآن پیرامون مهدویت

در این نوع از رابطه بینامتنی، نویسنده یا گوینده با الهام گرفتن از متن غایب و پس از دریافت مضمون، مفهوم آن را با الفاظ و تعبیرهای خود در متن خود استفاده می‌نماید؛ به

گونه‌ای که خواننده حضور لفظی محسوس یا ذکری صریح را از متن پیشین حس نمی‌کند.
(مسبوق، ۱۳۹۲: ۲۱۸)

تحکیم آموزه‌های اسلامی در حکومت مهدوی

حضرت سجاد علیه السلام در دعای پر شور عرفه نیز با تأسی از متن قرآن، ولی خدا را به پا دارنده قرآن، احکام، حدود و قوانین الهی و سنت‌های نبوی می‌داند:

وَأَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَشَنَّ رَسُولَكَ (دعای ۴۷، فراز ۶۲)؛

بارالها... و به وسیله وی (ولی خویش) کتاب و حدود و سنن پیامبر خود را به پای دار.

یعنی «به وسیله امام، احکام کتاب خدا و سنت‌های رسولش در میان مردم برپا می‌شود»
(حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۳۶۱).

مرجع ضمیرها در «بِه» به «ولیک» در فراز ۶۰ بر می‌گردد؛ حضرت از خداوند می‌خواهد دستورات دین مبین اسلام را به وسیله ولی خدا و حجت بر حقش به پا دارد، همان‌گونه که خداوند وظیفه تمامی پیامبران الهی را به پا داشتن دین می‌داند و می‌فرماید:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳)؛

برای شما آیینی مقرر کرد، از همان گونه که به نوح توصیه کرده بود و از آن چه بر تو وحی کرده‌ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام توصیه کرده‌ایم که دین را بر پای نگه دارید و در آن فرقه فرقه مشوید.

همان‌طور که در بخش ساختاری بیان شد، طبق نظر شارحان صحیفه منظور حضرت از «ولی» حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الترتیب می‌باشد؛ لذا می‌توان گفت حضرت علاوه بر بیان ضرورت وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الترتیب، به نوعی مخاطب را با اهداف و مسئولیت‌های اجرایی ایشان آشنا می‌سازد. متن قرآنی وظیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر پیامبران صاحب شریعت را به پا داشتن دین الهی و جلوگیری از تفرقه و جدایی در آن بیان می‌دارد؛ حضرت سجاد علیه السلام نیز که روح مجسم قرآنی است، به شیوه دعا وظایف حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الترتیب را به پا داشتن حدود الهی و سنت نبوی معرفی می‌نماید؛ هم‌چنین عمل به کتاب خدا و سنت نبوی باعث جلوگیری از تفرقه مسلمانان است؛ لذا بار دیگر متن صحیفه تبیینی بر متن قرآنی «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» می‌باشد. امام سجاد علیه السلام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الترتیب را یکی از مصادیق اعلاء و بارز متن قرآنی معرفی می‌نماید که - طبق

فرمایشات حضرت در دعای دیگری - مسلمانان با اطاعت و گوش به فرمان ایشان بودن «و اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ...» (دعای ۴۸، فراز ۶۳) مانع فرقه فرقه شدن دین خدا می‌شوند؛ «و لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ». همان طور که مشاهده شد، از تلفیق بینامتنی، تفسیری روشن از دو متن پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد.

اقتداریابی سیاسی مسلمانان در حکومت مهدوی

یکی از اساسی‌ترین مفهومی‌ها در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی قدرت است؛ تا آن جا که برخی آن را موضوع علم سیاست می‌دانند. (باقری، ۱۳۹۴: ۲۸)

مفهوم قدرت در کنار ولایت برای سرپرستی امر جامعه، امری لازم است. (همو: ۳۹)

به همین منظور حضرت سجاد علیه السلام - با توجه به اهمیت «قدرت سیاسی» - در جهت تحقق حکومت جهانی آخرین ذخیره خداوند بر روی زمین در راستای احیاء و ارتقاء جوامع بشری از شیوه‌های گوناگون مدد می‌جوید. ایشان در دعای روز عید قربان از اصل امامت چنین یاد می‌کند:

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْأُمَّةِ الَّذِينَ
حَتَمَتْ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ (دعای ۴۸، فراز ۱۲)؛

بار خدایا! مرا از اهل توحید و ایمان به خودت و تصدیق به فرستاده‌ات و پیشوایانی که طاعت آنها را واجب ساخته‌ای قرار ده، به حق همان امامانی که این (مهم) به دست ایشان اجرا می‌شود.

حضرت در کلام خود تأکید می‌نماید که تحقق امامت در جامعه در صورتی است که امام معصوم «بسط ید» داشته باشد؛ یعنی قدرت را در دست داشته باشد. این نکته از عبارت «مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ» مستفاد می‌گردد. (برزگر، ۱۳۹۰: ۶۴) چند احتمال در مورد معنای این جمله وجود دارد:

اول این که این جمله اشاره دارد به دین الهی که شامل توحید و ولایت برای نبی و آل ایشان می‌باشد؛ مرجع ضمیر «یدیه» کسی است که این دین را جاری می‌سازد. دوم این که به معنای نصرت و تمکین می‌باشد. «به» یعنی به سبب ایشان و «عَلَى يَدَيْهِ» یعنی همان امام حجت، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌باشد. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۴۰۱) ذلک اشاره به توحید و آنچه عطف شده بر آن دارد یعنی کسانی که توحید و ایمان یا فرج به یاری و کمک و تلاش ایشان جاری می‌شود؛ همان کسانی که خداوند توفیق هدایت خلقش را به دست ایشان داده است و به

عنوان وسیله‌ای برای ارشاد بندگان خویش آفریده است و دعوت بندگان خدا به راه حق بر دستان ایشان جاری می‌گردد. (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ۲۱۸)

کلام حضرت از جهت مضمون ارتباط وثیقی با آیه «أُولِي الْأَمْرِ» دارد؛ آن‌جا که خداوند این‌گونه اطاعت‌شان را واجب نمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۶)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید.

حضرت در کلام خود، ائمه عليهم السلام را به عنوان یاری‌کنندگان دین الهی و پاسدار برافراشتن پرچم توحید و تصدیق‌کنندگان نبی خدا صلی الله علیه و آله معرفی می‌نماید و این خود تعلیلی بر متن قرآنی «أَطِيعُوا... وَأُولِي الْأَمْرِ» می‌باشد، بدین معنی که ضرورت اطاعت از امام بدان جهت است که او متصدی اجرا و مسئول پیاده کردن دین الهی در جامعه می‌باشد و به اصطلاح، همه مسئولیت‌های دینی و اجرای آن با دستان قدرتمند ایشان انجام می‌گیرد؛ «مَنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ» لذا بایستی مؤمن معتقد در تمامی امور از ایشان اطاعت نماید.

حضرت در فراز دیگری از دعای عرفه بعد از تأکید بر اهمیت شکر نعمت ولایت و طلب سلطه و توانایی برای ولی خدا از خداوند می‌خواهد که ایشان را به نیرومندترین ارکان قدرت خویش یاری فرماید و پشتش محکم و بازوانش را توانا گرداند. حضرت قدرت سیاسی را برای ولی عصر عجل الله تعالی فرجه التوفيق این‌گونه خواستار است:

وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا... وَأَشْدُّ أَرْزُ، وَقَوِّ عَضْدَهُ... (۴۷، ۶۱)

امام یاری و مدد برای ولی عصر عجل الله تعالی فرجه التوفيق جهت تحکیم قدرت سیاسی ایشان را به بازو تعبیر کرده است.

کلام حضرت عليه السلام با این آیات ارتباط تنگاتنگ مضمونی برقرار نموده است:

﴿أَشْدُّ بِهِ أَرْزِي﴾ (طه: ۳۱)؛

پشت مرا بدو محکم کن.

﴿قَالَ سَتَشُدُّ عَضْدَكَ بِأَخِيكَ﴾ (قصص: ۳۵)؛

گفت: تو را به برادرت قوی دست خواهیم کرد.

در متن غایب عبارت «سَتَشُدُّ عَضْدَكَ بِأَخِيكَ» کنایه است از این‌که خداوند موسی را به وسیله هارون تقویت خواهد کرد؛ همچنین عدم وصول فرعونیان به آن دو، کنایه است از

این‌که آنان قدرت و تسلط بر کشتن شما نخواهند یافت. (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۰، ۴۸)

اگرچه آیه مورد نظر در مورد موسی و هارون است، لیکن همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، آیات قرآن تاب معانی گسترده‌ای را دارند و به مصادیق مورد نزول محدود نمی‌شوند؛ در تأیید این مطلب تفاسیر روایی نقش تعیین‌کننده‌ای را دارند. «از روایات استفاده می‌شود که پیغمبر اسلام ﷺ نیز همین مسائل را که موسی عليه السلام برای پیشبرد اهدافش از خدا خواسته بود تمنا کرد» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۵۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۷۶) «با این تفاوت که به جای نام هارون، نام علی را نهاد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۱۹۳) بنابراین چه گفته شد، مقصود امام از «قَوِّ عَضْدَهُ» یعنی همان تقویت قدرت سیاسی امام معصوم در جهت انجام مسئولیت‌های اجرایی در جامعه می‌باشد.

با توجه به سیاق عبارات می‌توان گفت در متن صحیفه مرجع ضمیر «ه» در عبارت «أَرْزُهُ» به «ولّی» در ابتدای همین فراز بر می‌گردد؛ لیکن مرجع ضمیر «ی» در «آزری» حضرت موسی می‌باشد؛ بدین صورت که در متن غایب حضرت موسی از خداوند برای خویش طلب قدرت سیاسی می‌نماید، لیکن حضرت برای ولّی خدا این قدرت را خواستار است. بدین ترتیب ایشان در کلام خود، مصداق اعلاّی متن قرآنی (طه: ۳۱) را معرفی می‌نماید. اگرچه آیه از زبان حضرت موسی عليه السلام سخن می‌گوید. لیکن همان‌طور که قبلاً ذکر شد، آیات قرآن فقط به موارد نزول ختم نمی‌شوند و می‌تواند با یک سری معیارهای درست و منطقی بر مصادیق جدید تطبیق شود.

هم‌چنین در متن قرآنی (قصص: ۳۵) خداوند ابتدا عبارت «سَنَشُدُّ عَضُدَكَ» و سپس عبارت «نَجْعَلُ لَكَ سُلْطَانًا» به کار برده است؛ لیکن در متن صحیفه ابتدا عبارت «وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا» (دعای ۴۷، فراز ۶۱) و سپس - به فاصله چند جمله - عبارت «وَ أَشَدُّ أَرْزُهُ، وَ قَوِّ عَضْدَهُ» استفاده شده است. این بینامتنی جالب دیگری است که در متن صحیفه مشاهده می‌شود که امام عبارت پیوسته متن غایب (قصص: ۳۵) را در متن حاضر با فاصله و جابه‌جایی در متن صحیفه به کار می‌برد که هر دو عبارت - در هر دو متن - از لحاظ مضمون هم‌پوشانی دارند.

هدف حضرت از ایجاد فاصله بین دو عبارت این است که تأکید در ضرورت یاری‌رسانی به امام معصوم داشته باشد چرا که در آن جملات میانی از خداوند می‌خواهد که ایشان را به نیرومندترین ارکان قدرت خود یاری نماید:

وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحَ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ اعْنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزَّ، وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ، وَ قَوِّ عَصْدَهُ (دعای ۴۷، فراز ۶۱).

بنابراین حضرت با به کارگیری عبارات بیشتر، دلالت‌های بیشتری را به وجود آورده است و مفاهیم بیشتری را به مخاطب انتقال می‌دهد، علاوه بر آن خواسته‌ها و کمک‌های بیشتری را برای ائمه معصومین علیهم‌السلام - به عنوان جانشینان و حجت خدا در زمین - در هر زمان از خداوند طلب می‌نماید، زیرا با توجه به اطلاق متن صحیفه این طلب یاری، برای امام هر عصری صادق است.

هم‌چنین ایشان در مقام گلایه از غاصبان قدرت سیاسی می‌فرماید:

يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَ كِتَابَكَ مُنْبُودًا، وَ فَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتٍ أَشْرَاعِكَ، وَ سُنَنَ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً (دعای ۴۸، فراز ۹)؛

بارالها! [برگزیدگان و جانشینان تو] اکنون نظاره می‌کنند که احکامات دگرگونی پذیرفته و کتاب تو مطرود و فریضه‌های تو دستخوش انحراف و از نظر شرعی دور افتاده و آیین پیامبرت متروک گردیده است.

کلام حضرت از جهت محتوا با این آیات پیوند مضمونی و وثیقی را به وجود آورده است، آن‌جا که خداوند می‌فرماید:

﴿يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ (مائده: ۱۳)؛

کلمات را از معنی خود منحرف می‌سازند و از آن‌ها پند که به ایشان داده شده بود بهره خویش فراموش کرده‌اند.

﴿فَتَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ (آل عمران: ۱۸۷)؛

خدا از اهل کتاب پیمان گرفت که کتاب خدا را برای مردم آشکار سازند و پنهانش نکنند ولی آنها عهد خدا را پشت سر انداخته و آیات الهی را به بهایی اندک فروختند، چه بد معامله‌ای کردند.

حضرت در این کلام جامعه‌ای که امام حق در آن برخوردار از قدرت سیاسی نیست را با آیات قرآنی قرین می‌نماید. ایشان مصداق جدید «کتاب» در متن غایب را، کتاب قرآن معرفی می‌نماید و مصداق جدید اهل کتابی که عهد الهی را شکستند را غاصبان حکومت معرفی می‌نماید. هدف حضرت این است که مخاطب را به شیوه سلبی به ضرورت وجود امام حق و خلیفه خدا در زمین رهنمون سازد. حضرت سجاد علیه‌السلام با استفاده از کلمات «مُنْبُودًا وَ مُحَرَّفَةً»

این پیام را به مخاطب آشنای عصر نزول می‌رساند که مصداق بارز عهدشکنی، «فَتَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» همان شکستن عهد و ولایت می‌باشد.

مصادیق غاصبان خلافت در هر زمان وجود دارند. هم اکنون نیز آنها در جهان با سلطه و استکبار خود مانع از ظهور آخرین حجت خدا شده‌اند و این غیبت و عدم حضور سیاسی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف در بطن جامعه، باعث انحراف در دین و مهجور ماندن قرآن شده است؛ البته با توجه به طولانی بودن این غیبت، مظلومیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در مقابل سایر امامان معصوم علیهم السلام بیشتر محسوس است و این خود تنبیهی بر بشریت است که مبادا با غفلت و بی توجهی از این موضوع مهم بر مهجوریت آخرین باقی مانده خدا در زمین بیفزایند؛ همان شخصیتی که خداوند به مؤمنان به طور ضمنی گوشزد می‌نماید که از هر چیز دیگری برایشان سودمندتر و بهتر است:

«بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود: ۸۶)؛

اگر ایمان آورده‌اید، آنچه خدا باقی می‌گذارد برایتان بهتر است.

حضرت در فراز دیگری با عبارت «وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ وَاحِمِهِ بِحِفْظِكَ»؛ «و زیر نظر خود قرار ده و در سایه‌ی نگهداری خود حفظش فرما» (۴۷، ۶۲) با مضمون متن قرآنی «وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا» ارتباط وثیقی برقرار نموده است.

«الأعين» استعاره از مراقبت و ملاحظه و در معنای مجازی کنایه از حفظ از خلل و اشتباه در ساخت کشتی (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۱۱، ۲۵۶) و «بِأَعْيُنِنَا» حاکی از آن است که خدا او [نوح] را در ساختن کشتی حفظ خواهد کرد. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۴، ۴۹۲)

لذا حضرت با استناد به کلام وحی از خداوند می‌خواهد همان‌گونه که حضرت نوح را در هنگام ساخت کشتی، زیر نظر عنایت خویش قرار داد، ولی خویش - امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف - را نیز تحت حمایت و پشتیبانی خویش قرار دهد و او را از شر دشمنان حفظ نماید.

هم چنین حضرت در دعای عید قربان نیز بعد از اینکه خواستار تعجیل فرج و گشایش و یاری برای ولی امر مسلمین است و می‌فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... وَعَجِّلِ الْفَرَجَ وَالرَّوْحَ وَالنُّصْرَةَ وَالتَّمْكِينَ وَالتَّأْيِيدَ هَهُم (دعای ۴۸، فراز ۱۱)؛

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست... و در گشایش و زدودن غم و اندوه از ایشان و آسایش و یاری کردن و تأیید ایشان تعجیل فرما.

عبارت «و عجل الفرج» اشاره به حضرت مهدی منتظر دارد. (مغنیه، ۱۳۹۹ق) بر این اساس در کلام حضرت علیه السلام، آسایش و نصرت و تمکین و تأیید که همه عطف به عبارت «و عجل الفرج» شده است، در جهت یاری حکومت مهدوی ضروری می باشد.

در این فراز تمامی کلمات به صورت مصدر آمده است که یک نمونه آن در ذیل این تحقیق بررسی می شود. لغت تمکین از «مکن» به معنای استقرار همراه با قدرت است که از آثار آن بزرگی، بالایی، پادشاهی، قدرت، و شدت است. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ج ۱۱، ۱۶۳) در نتیجه قدرت او همراه با «امین» بودن است. یعنی برای او بر علیه دشمنان سلطنت و قدرت مقرر نمودیم. (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ۲۱۶) مفهوم کلام حضرت با آیه ذیل پیوند مضمونی عمیقی برقرار نموده است:

﴿وَمُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾
(قصص: ۶)؛

و آنها را در آن سرزمین مکانت بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریان شان چیزی را که از آن می ترسیدند نشان دهیم.

از منظر مفسران تمکین آنها در زمین یعنی ثابت نمودن سلطنت آنها در زمین و احتمال دارد به معنی تقویت آنها بین امت های روی زمین باشد. (ابن عاشور، بی تا: ج ۲۰، ۱۴) بنابراین مفهوم «و مُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ» یعنی آنها را در زمین بر [سایر ملت ها] مسلط و چیره می گردانیم. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۸۰) به طوری که سلطنت ایشان به طور ثابت بر زمین مستقر باشد و همه امکانات را در اختیار ایشان قرار دهیم. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۳۷۵)

اگرچه این آیات در مورد پیروزی قوم موسی بر فرعونیان است، لیکن همان طور که قبلا بیان شد - آیات قرآنی تاب معانی گسترده ای را دارند و به موارد نزول ختم نمی شوند، تفاسیر روایی معتبر نیز این مهم را تأیید می نمایند؛ لذا در مورد حکومت قائم آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم نیز این چنین است. در تأیید این مطلب در تفسیر قمی آمده است:

و كذلك مثل القائم عليه السلام في غيبته و هربه و استناره مثل موسى خائف مستتر إلى أن يأذن الله في خروجه و طلب حقه و قتل أعدائه (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۳۴).

در تأیید این مطلب در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

این آیه اختصاص به صاحب الامر دارد که در آخر الزمان ظهور می کند و جباران و فرعون ها

را هلاک می‌گرداند و مالک شرق و غرب زمین می‌گردد و زمین را پراز عدل و داد می‌کند همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است. (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۲۵۴)

هم‌چنین در روایت دیگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در هفتمین روز میلادش با درخواست پدر گرامی‌شان لب به سخن گشود و پس از شهادت به وحدانیت خداوند و درود فرستادن بر محمد صلی الله علیه و آله و آل ایشان آیه ذیل را تلاوت نمود:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ تَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ تُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمَ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۱۱۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۲۵۱).

اگرچه در قرآن آیات دیگری نیز راجع به تقابل مستضعفان با مستکبران وجود دارد ولی انتخاب این آیه که مربوط به پیروزی مستضعفان بنی‌اسرائیل بر مستکبران فرعون است و تلاوت این آیه توسط ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه در هنگام تولد بدین معناست که اراده الهی به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه تحقق پیدا می‌کند؛ و اعلام این نکته که رسالت ایشان تنها بیان احکام نیست بلکه برنامه‌ای شبیه کلیم حق تعالی در نبرد با کفر پیشگان دارد. چنان‌که شباهت آن حضرت با موسی علیه السلام در دوران حمل و ولادت گواه شباهت در برنامه و شیوه قیام است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش)

با تأمل در ساختار ظاهری دو متن مشاهده می‌شود هر دو از باب فَعَلَ، تفعیل (ثلاثی مزید) استفاده شده است، که غالباً مفید کثرت و مبالغه است. (سامرای، ۱۴۳۴ق: ۳۰) هم‌چنین وقتی کلمه به باب مزید برده می‌شود از حروف بیشتری نسبت به ثلاثی مجرد استفاده می‌شود که از نظر لغویون زیادت حروف غالباً بر زیادت معنا دلالت دارد. (همو: ۳۰) همان‌طور که مشاهده می‌شود واژه «التَّمَكِينِ» در متن صحیفه مصدر است و در مقابل واژه «نُمَكِّنَ» در متن قرآنی فعل مضارع می‌باشد، مصدر بر وقوع (حدوث) دلالت می‌کند (همو: ۷۱) در حالی که فعل بر وقوع و تجدد دلالت دارد. (همو: ۹۵) هم‌چنین مصدر بر زمان مطلق دلالت می‌کند؛ در حالی که فعل دلالت بر زمان معین دارد. (مزیان؛ طاهر شریف، ۲۰۰۲م: ۱۱۲) با توجه به اینکه مصدر تأکید بر فعل است، در این صورت رتبه آن بالاتر از فعل می‌باشد. (همو: ۱۱۳) با این تعاریف به یقین می‌توان گفت حضرت به جای فعل از مصدر - آن هم از باب تفعیل - استفاده نموده است تا علاوه بر تأکید بیشتری بر حتمی بودن تحقق و استقرار حکومت مهدوی، کثرت و وسعت کمک خواستن جهت این اقتداریابی را بیشتر نمایان سازد، چرا که باب تفعیل مفید

کثرت است. هم‌چنین زمان مطلق مصدر حاکی از این است که حکومت مهدوی زمان تحقق و استقرار آن بر زمین - بر خلاف حکومت موسی عَلَيْهِ السَّلَام - زمان معینی ندارد؛ لذا حضرت از مصدر استفاده نموده است. روایات زیادی این امر را تأیید می‌نمایند که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز زمان مشخصی برای ظهور تعیین نکرده‌اند؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

ما اهل بیت زمانی را برای (ظهور) این امر معین نمی‌کنیم (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۹).

و حتی بنا بر گفته رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام تعیین‌کنندگان وقت ظهور دروغگو نامیده شده‌اند «... قَالَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ...» (همو: ۲۹۰) و در حدیث دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

... فَقَالَ يَا مِهْرَمُ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَّ الْمُسْلِمُونَ (همو: ۲۹۴).

حضرت در این فراز با آوردن عبارت « وَ عَجَلِ الْفَرَجِ » از خداوند خواستار بر طرف نمودن و از بین رفتن غم‌های (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۲۱۶) بر سینه نشسته آخرین حجت خدا در زمین است؛ غمی که به خاطر غافل بودن و بی‌اعتنایی مردم به امام زمان‌شان، روز به روز دل‌نازینش را بیشتر آزرده کرده است. نکته لطیف دیگری که قابل تأمل است حرف لام در «لَهُمْ» (لام اختصاص) است، (انصاری، ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۱۹) حضرت با آوردن این لام تعجیل فرج و وسعت یاری، اقتدار سلطنت و قدرت را مختص آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌داند، به همین خاطر از لام اختصاص استفاده نموده است؛ حضرت تمامی این عوامل را برای ظهور آخرین ذخیره آل محمد حضرت بقیة الله الاعظم عَلَيْهِمُ السَّلَام و تحقق حکومت عدل‌گستر مهدوی ضروری و حتمی می‌داند.

حضرت از خداوند نصرت و یاری، اقتدار و تأیید را برای پیروزی حکومت مهدوی خواستار است، لذا در دعای عرفه از خداوند می‌خواهد که برای ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام فتح و پیروزی آسانی فراهم آورد؛ « وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا » و به آسانی راه پیروزی بروی بگشای. (دعای ۴۷، فراز ۶۱) امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند می‌خواهد که درهای فتح و پیروزی را به روی ولی خویش به آسانی بگشاید. کلام حضرت به طور مضمونی به این آیات اشاره دارد آن‌جا که خداوند می‌فرماید: «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف: ۱۳) «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» (فتح: ۱) «نُصْرَتِي است از جانب خداوند و فتحی نزدیک، و مؤمنان را بشارت ده.» خداوند بر مؤمنان - در آیه ۱۳ سوره صف - نوید می‌دهد یعنی در دنیا به فتح و پیروزی حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام، و هم‌چنین

فتح مکه. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۱۷۱؛ قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۳۶۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۳۱۹ و...) قرآن از این پیروزی به عنوان نعمت دنیوی یاد می‌نماید که بعد از عنوان نمودن نعمت اخروی (آمزش گناهان و دخول در بهشت) آن را بر مؤمنان بشارت می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴، ۹۰) یعنی بشارت بده مؤمنین را به این دو ثواب دنیوی و اخروی بر جهاد که آن نصر و یاری خداست در دنیا و بهشت در آخرت؛ این آیه راجع به اثر جهاد در دنیاست که همان فتح و پیروزی باشد. آری به تجربه ثابت شده که سرنوشت اکثر ملت‌ها در میدان‌های جنگ تعیین می‌شود؛ هر ملتی که در راه حقوق خود نجنگید ذلیل شد. (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۱، ۱۵۱) به همین خاطر در آیه بعد خداوند سبحان مؤمنین را به طور ضمنی به جهاد دعوت کرده و به صورت صریح «بر یاری کردن دینش ترغیب و اصرار می‌نماید». (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۴۲۳)

مراد از این «فتح» به طوری که قرائن کلام هم تأیید می‌کند، فتحی است که خدا در صلح حدیبیه نصیب رسول خدا ﷺ فرمود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ۲۵۲)

و این سرنوشت روشن‌ترین فتح و پیروزی است که خدا نصیب پیامبرش کرد و مؤثرترین عامل برای فتح مکه در سال هشتم هجری شد، چون جمع کثیری از مشرکین در این دو سال بین «صلح و فتح مکه» اسلام آوردند؛ علاوه بر این، سال بعد از صلح، یعنی سال هفتم هجری، خیبر و قرای اطرافش را هم فتح کردند و مسلمانان شوکتی بیشتر یافتند، و دامنه اسلام وسعتی روشن یافت، نفرات مسلمین بیشتر شد، آوازه‌شان منتشر شد، و بلاد زیادی تحت حاکمیت اسلام قرار گرفت. آن‌گاه در سال هشتم رسول خدا ﷺ برای فتح مکه حرکت کرد، در حالی که به جای هزار و چهار صد نفر در صلح حدیبیه، ده و یا دوازده هزار نفر لشکر داشت. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ۲۵۳)

چنان‌که مشاهده می‌شود، حضرت با استفاده از کمترین الفاظ از متن غایب و با به کارگیری مفهوم آن توانسته ذهن مخاطب را به وقایع صدر اسلام هدایت نموده تا با یادآوری پیروزی‌های پی در پی مسلمانان بر مشرکان و کافران که با صلح حدیبیه آغاز شد و در نهایت با فتح مکه تثبیت شد، این نوید را به مخاطب دهد که پیروزی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الترمین نیز به همین آسانی و نزدیکی است؛ به همین دلیل حضرت در متن حاضر از مفعول مطلق نوعی برای تأکید در آسانی و نزدیکی این پیروزی استفاده نموده است؛ «فَتْحاً يَسِيرًا». ایشان واژه «يَسِيرًا» را جایگزین واژه قرآنی «قَرِيبٌ» می‌نماید تا علاوه بر نوید نزدیکی این فتح و پیروزی، آسانی و

راحتی آن را نیز از جانب خداوند نشان داده و بر آن تأکید می‌نماید.

با توجه به پیام تفسیری آیه و پیوند دومتن و هم‌چنین تلفیق بین متنی صحیفه می‌توان نتیجه گرفت مسلمانان منتظر ظهور، نباید به اصطلاح دست روی دست گذاشته و تلاش نکنند بلکه - طبق بیانات امام سجاد علیه السلام در مورد دوستان ولی خدا - با اطاعت و گوش به فرمان بودن و تبعیت همه جانبه و بی چون و چرا از ولی خدا و اطاعت از او امر ایشان؛ «وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ... الْمُتَّبِعِينَ مَنِهْجَهُمُ الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ... الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ...» (دعای ۴۸، فراز ۶۴ و ۶۳) هم‌چنین با جهاد در راه خدا و مقابله با دشمنان ولی خدا؛ «وَ الْمَدَافَعَةَ عَنْهُ مُكْنِفِينَ» (دعای ۴۸، فراز ۶۳) به وضعیت موجود - کفر جهانی - نه گفته و با عمل و تلاش پی‌گیر، زمینه ظهور حضرتش را هر چه سریع‌تر فراهم آورند؛ تا به معنای واقعی منتظر و چشم به راهان ایام ظهور باشند «الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمُ الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَغْنِيَهُمْ» (دعای ۴۸، فراز ۶۴) در چنین شرایطی است که مشمول درود ویژه حضرت می‌شوند که می‌فرماید:

لِّلَّهِمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ،... الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ،... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّكَّاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّاحَاتِ. (دعای ۴۸، فراز ۶۴)

هم‌چنین مسلمانان با تلاش و اقدام جهادی خود و با توکل بر یاری حق تعالی خواهند توانست به پیروزی نهایی اسلام بر کفر جهانی دست یابند؛ چرا که بر اساس متن قرآنی خداوند سرنوشت هیچ قومی را تا خود آن ملت نخواهند تغییر نخواهد داد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱).

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش شامل موارد ذیل است:

۱. اندیشه مهدویت به مثابه استمرار اصل اعتقادی امامت می‌باشد و همه امامان معصوم علیهم السلام با معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان آخرین امام معصوم به این مسئله مهم تأکید نموده‌اند. در این راستا امام سجاد علیه السلام ضمن تأکید بر این نکته به شیوه دعا و پیوند آن با قرآن، اندیشه مهدویت را در دل مخاطب زنده نموده‌اند.

در این تحقیق از طریق رابطه بینامتنی و سیاق عبارات مشخص شد که بیشترین بسامد از نوع مضمونی بوده است، که حضرت سجاد علیه السلام از این طریق در تبیین و تفسیر، تکمیل، استناد

و بیان مصداق آیات، هم‌چنین رساندن دلالت‌ها و مفاهیم بیشتر استفاده نموده است. بیان مقام والای امامت و ولایت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْكَرِيمُ به عنوان مصداق آیات، بیانگر آن است که نسبت به مصداق مورد نزول از مقام و اهمیت والاتری برخوردار است.

نتیجه دیگری که از خلال این تحقیق به دست آمده و حائز اهمیت است، این است که *صحیفه سجادیه* نیز مانند قرآن از انسجام موضوعی برخوردار است؛ به نحوی که از طریق سیاق درون‌متنی و هم‌چنین سیاق عبارات قبل و بعد می‌توان در بیان مضامین و مفاهیم مربوط به امامت و مهدویت مدد گرفت.

۲. هم‌چنین این نتیجه حاصل شد که بیشترین روابط بینامتنی - بعد از مورد مضمونی - به صورت ساختاری غیر تطابقی بوده است. در اکثر موارد حضرت با تبدیل واژگان متن غایب به واژگان مشابه یا حذف واژه یا ترکیب، سعی نموده موضوع را به‌طور مطلق بیان نماید تا از این طریق دلالت‌ها و مفاهیم بیشتری را به مخاطب انتقال دهد. این خود می‌تواند بیانگر گستردگی قیام حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْكَرِيمُ است و این نکته که در کلام حضرت اندیشه مهدویت از اهمیت والایی برخوردار است.

۳. از تلفیق بینامتنی استنباط می‌شود که یاری و تأیید خداوند برای قیام منجی عالم بشریت امری ضروری است. نصرت و یاری الهی مشروط بر اطاعت و پیروی همه جانبه و بی‌چون و چرای مسلمانان از امام زمان‌شان و تلاش و اقدام جهادی می‌باشد - یعنی همان تمسک به ثقلین -؛ در این صورت است که خداوند در فرج حکومت سراسر آسایش و عدل‌گستر صاحب الامر حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْكَرِيمُ تعجیل می‌اندازد.

منابع

قرآن مجید

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، *الغیة للنعمانی*، تهران، نشر صدوق، اول، ۱۳۹۷ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ، اول، بی تا.
- انصاری، جمال الدین عبدالله، *مغنی اللیب عن کتب الاعاریب*، تحقیق و تعلیق: برکات یوسف هبّود، بیروت، دارالارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۹ق.
- باقری، سیدکاظم، *قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم*، بی جا، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۹۴ش.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- برزگر، درآمدی *براندیشه سیاسی صحیفه سجادیه*، بی جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
- پیشوایی، مهدی، *سیرو پیشوایان*، با مقدمه جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، بیستم، ۱۳۷۸.
- جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی علیه السلام موجود موعود*، حجت الاسلام سید محمدحسن مخبر، قم، مرکز نشر اسراء، ششم، ۱۳۸۹ش.
- حسینی شیرازی، محمد، *شرح الصحیفه السجادیه*، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.
- خانجانی، علی اوسط، «شکوه تعبیر در صحیفه سجادیه»، *فصل نامه اندیشه دینی*، پیاپی ۱۵، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۴ش.
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق و مصحح: عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
- راغب اصفهانی، حسین، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، اول، ۱۴۱۲ق.
- سامرایی، محمدفاضل، *الصرف العربی احکام و معان*، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۳۴ق.
- طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، محمدبن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طهرانی، آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالاضواء، دوم، بی تا.
- عباس زاده، حمید، «اقتباس های قرآنی در نهج البلاغه»، *فصل نامه مطالعات تفسیری*، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۹ش.
- عروسی حویزی، علی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق: محمدکاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
- فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، *تعلیقات علی الصحیفه السجادیه*، تهران، مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، مؤسسه البحوث و التحقیقات الثقافیه، ۱۴۰۷ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۴۱۵ق.
- قائمی، مرتضی، «بینامتنی دیوان ابو العتاهیه با نهج البلاغه»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۹، تهران، ۱۳۸۷ش.
- قائمی نیا، علیرضا، *بیولوژی نص (نشانه شناسی و تفسیر قرآن)*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، یازدهم، ۱۳۸۳ش.
- قرشی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بی جا، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
- _____، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ششم، ۱۳۷۱ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، محقق: طیب موسوی جزائری، بی جا، دارالکتاب، سوم، ۱۳۶۳ش.
- قهپایی، بدیع الزمان، *ریاض العابدین فی شرح صحیفه مولانا و مولی المؤمنین علی بن الحسین زین العابدین*، به کوشش: حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی (ط - الإسلامیة)*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

- مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، محقق و مصحح: محسن حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- مزیان، علی حسن؛ الطاهر الشریف، ابراهیم، *مباحث فی فقه اللغه، الجماهیر العربیه اللیبیه*، دارشموع الثقافه، ۲۰۰۲م.
- مسبوق، سیدمهدی، «روابط بینامتنی قرآن با خطبه های نهج البلاغه»، *فصل نامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم و قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء*، تهران، سال دهم، شماره ۲، پیاپی ۲۰، ۱۳۹۲ش.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، لندن / قاهره، دارالکتب العلمیه، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰ق.
- مطهری، مرتضی، *آشنایی با صحیفه سجادیه*، قم، مرکز اطلاعات مدارک اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- مظفر، محمدحسین، «الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه»، قم، جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۰۳ق.
- مغنیه، محمدجواد، *فی ظلال الصحیفه السجادیه*، بیروت، سوم، ۱۳۹۹ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۷۴ش.

